

## به نام خالق هستی

عریضه‌ای از سراینده‌ی ابیات:

مدار عالم هستی که به حکمت الهی و به امرِ کُنْ فیکون بر پا شد زمانی به حدّ کمال رسید که اراده‌ی حق تعالی<sup>۱</sup> بر خلقتِ موجودی ممتاز قرار گرفت که اشرف مخلوقات و صاحب اراده باشد، لذا بنی آدم پا به صحنه‌ی هستی گذاشت.

گر چه همه‌ی موجودات در عوالم ناسوت و ملکوت و جبروت، حسب غریزه، انجام وظیفه و بندگی می‌نمایند، لیکن فقط بر بنی آدم قدرت اراده و انتخاب داد و از روح خود در او دمید و این والاترین ودیعه‌ی عالم هستی، چون امانتی در روح انسان جای گرفت تا با امانت دیگری که جسم اوست و از عالم خاک می‌باشد ممزوج شده به جهان هستی بیاید.

فرصتی به نام عمر در اختیار او قرار گرفت تا در راه تکامل و معرفت قدم بردارد. هر دو امانت در موقع مرگ از او پس گرفته شده و هر کدام به سرمنشاء خود رجعت می‌نماید، جسم به خاک و روح به سوی مبدأ اصلی خویش؛ اَنَا لِلَّهِ و اَنَا اليه راجعون.

مرتبّی اصلی بشر جهت کسب معرفت در این سیر تکاملی، ذات ربّ العالمین شد و مُرسَلین در جهت ابلاغ رسالت مأمور گشتند تا با زبان و عمل خود پیام‌های هدایت به بشریت دهند. رسولان، رساله‌ها و کُتب از آیات الهی ارائه کردند که نهایتاً رسالت به خاتم الانبیاء ﷺ و کتابت به قرآن مجید تکمیل و نهائی شد.

آیات قرآن که اساسنامه‌ی زندگی بشر شد به زبان عربی یعنی زبان خاتم الانبیاء ﷺ نازل، و مقرر گردید که انسان درباره‌ی آن تفکّر و تعقل نماید، که اَنَا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (آیه‌ی ۲ سوره‌ی یوسف). یعنی: "ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم، بر شماست که درباره‌ی آن تعقل نمائید".

پس پایه و اساس قرآن بر تفکّر و تعقل استوار شده، لذا درک صحیح آیات حتی<sup>۱</sup> برای عرب زبان‌ها نیز مهم بوده تا گرفتار تحریف و انحراف نشوند. این مطلب برای سایر زبان‌ها حسّاس‌تر و لزوم تعقل و تفکّر درباره‌ی آن بیشتر می‌شود.

ترجمه در حقیقت نقل قول است. نقل قول، امانتی است که باید عیناً منتقل

گردد نه آنکه دخل و تصرفی در آن حاصل شود، خاصه آنکه صاحب امانت ربّ العالمین باشد. گر چه هرگز هیچ ترجمه‌ای نخواهد توانست عین ماهیت مطلب را ادا کند، ولی چاره‌ای نیست، به مصداق:

" آب دریا را اگر نتوان کشید پس به قدر تشنگی باید چشید "

زمانی این مطلب سخت‌تر می‌شود که قرار باشد متون ترجمه در قالب نظم به صورت شعر ادا و این همه معانی انبوه در چهارچوب وزن و قافیه و ردیف مهار گردد. هر گوهری از جوهر نهفته در آن به وجود آید و از گوهر، زیور و گنجینه‌های مختلف ایجاد می‌شود، به همین صورت از آرایش حروف نیز کتابت به وجود آمد که گنجینه‌ی معنوی بشر تلقی می‌گردد. رسالات و کتب بی‌شماری در طی تاریخ عرضه شده‌اند که کمال اکمل آنها کلام الله مجید می‌باشد.

در عالم ظاهر، گوهر را گوهرشناس و در عالم معنی کتابت را صاحب معرفت شناسد. یکی از عواملی که موجب کمال بشر شد آشنائی با قلم و حروف می‌باشد که اشارات لطیفی در قرآن بدان شده، از آن جمله، آیات ۴ و ۵ سوره‌ی العلق؛ اَلَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْانسانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ، یعنی: "او که بشر را علم نوشتن با قلم داد و آدم را آنچه نمی‌دانست آموخت". انسان نهایتاً به حروف آشنا شد و از حروف کلمه آمد و از کلمات انتقال اندیشه و ارتباط حاصل شد؛ ارتباط با خود، ارتباط با مخلوق و ارتباط با خالق و بدین صورت، آیات، اساس ارتباط خالق و مخلوق شد.

چنانچه در آغاز ورود به قرآن فرموده، ذَالِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، اَلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ و ... اِلَىٰ اٰخِرِ (آیات ۲ و ۳ سوره‌ی بقره)، یعنی: "این کتابی است که شک و ظن در صحت آن نباشد، البته برای آنها که به عالم غیب معتقدند."

هیچ شیئی و پدیده‌ای در عالم ظاهر نیست مگر آنکه وابسته به غیب و نهان خود باشد مانند جسم و روح، آب و رطوبت، روغن و چربی، آتش و حرارت، مغز و تفکر، قلب و احساس و امثالهم که وجه ظاهری قابل رؤیت و وجه غیب آن حقیقتی نامشهود است و هر دو وجه نشأت گرفته از حَقّند، لذا قرآن را حق تعالی دُرّ مکنون خواند که دو وجهی می‌باشد، یعنی علاوه بر جنبه‌ی ظاهر، جنبه‌ی معنوی نیز داراست و به مصداق:

"دل هر ذره را که بشکافی  
آفتابیش در میان بینی"  
هر مطلب آن عمقی دارد که علاوه بر معنای ظاهری، دریائی از مفاهیم معنوی در آن نهفته است. رؤیت سطح اقیانوس گر چه با اُبْهت است ولی تا به عمق آن غواصی نشود آشنائی با نهان آن بوجود نیاید. راز جدا نبودن قرآن از عترت همین عمق معنوی آن می‌باشد.

با عنایت به مطالب فوق، در شرح منظوم آیات، گر چه نهایت سعی در امانت‌داری شده که مطلبی اضافه و کم درج نشود ولی باید اذعان کرد که خصوصاً با قَلّتِ سواد و نقصانِ معرفتِ سراینده‌ی ابیات هرگز تمام ماهیتِ مطالب آیات بیان نشده، لذا بر خواننده هست که با توجه به آیه‌ی مذکور در فوق (...لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) پس از خواندن هر آیه‌ی عربی و شرح منظوم فارسی، درباره‌ی آن آیه تفکر نماید.

این اثر که بالغ بر شانزده هزار و پانصد بیت گردیده، مخاطب خاص دارد و برای استفاده‌ی عام نیست. هر کسی که با حال و احوال این سیاق نزدیک‌تر باشد درک و استفاده‌ی بیشتری خواهد برد. آغاز کار بر این مجموعه، روز مولود نبی اکرم ﷺ (۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۶) و آمادگی برای تکثیر نیز مصادف با همین روز شریف گردید (۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۵). در آغاز و به شکرانه‌ی شروع این تکلیف، غزلی سروده شد که ذیلاً چند خطی از آن درج می‌گردد:

|                                       |                                  |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| این هدیه که چو سیلاب روان می‌آید      | برگ سبزیست کز آن سرو روان می‌آید |
| در گنجینه گشود و ز هزاران یاقوت       | گهرانی ز لغت، لیک ز جان می‌آید   |
| باغ رحمت ز نبی هست و گشوده ابواب      | عاشقی با غزلش گریه‌کنان می‌آید   |
| رؤ در این باغ و بچین گل ز گلستان رسول | بوی این عطر عجب مست‌کنان می‌آید  |
| با امیدی که شود جمله‌ی ابیات منظور    | به فدای نظرش روح و روان می‌آید   |

در تهیه و چاپ این اثر، عزیزانی سراینده را یاری نمودند که از آوردن نام آنها خودداری شده تا اجرشان ضایع نگردد و اگر ثوابی بر آن مترتب است هدیه می‌کنم به روح پرفتوح کسی که در ظاهر پدر و در معنی<sup>۱</sup> رهنمای من بود و مرا بر این احوالات نزدیک نمود. خداوند والدین ما را مورد مغفرت و فرزندان ما را صالح و بهترین باقیاتمان قرار دهد.

رحمت حق بر جمیع والدین      ما به آنها جملگی داریم دین  
 آنچه داشتند بهر ما کردند عطا      تا نپوئیم راه بر خبط و خطا  
 بهترین خدمت که بنمودند به ما      سوی راه حق بگشتند رهنما  
 ده تو توفیقی که نیز اولادمان      جملگی گردند ز جمع صالحان  
 شکر بی حد و حصر به خداوند ربّ الفلق که خود گشاینده‌ی ابواب رحمت و  
 تبدیل کننده‌ی ظلمت به نور بوده و از این رهگذر، چنین توفیق عظیمی را نصیب نمود.  
 با این امید که شاید مورد استفاده‌ی برخی اهل معرفت قرار گرفته و از این اقیانوس  
 بی‌کران در حدّ خود جرعه‌ای نوشیده و با قرائت فاتحه‌ای سراینده‌ی ابیات را مستفیض  
 نمایند.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ

وحید رضا رهنما

۱۷ ربیع الاول ۱۴۳۵ (مولود نبی اکرم ﷺ)

۲۹ دی ماه ۱۳۹۲ خورشیدی

۱۹ ژانویه ۲۰۱۴ میلادی